

مهجور واقع شده است و نگاه مخاطب به این آثار به شکل موزه‌ای است. اما به دلیل اینکه این سبک‌های نمایشی ریشه در فرهنگ، تمدن و آیین سنتی مردم ایران دارد، همچنان باقبال مخاطبان خصوصا در قشر جوان مواجه شده است.

**از همکاری با سیاوش طهمورث در نمایش معرکه در معرکه برای مان بگویند؟**

معرکه در معرکه سومین همکاری پنده با استاد طهمورث است. قبل از این در نمایش «بردار شدن منصور بن حلاج» و «سگ سیاوش» با ایشان سابقه همکاری داشتیم. اجرای این نمایش به خاطر متنی که دارد برای من تجربه جذابی است. در دوران دانشجویی متن این نمایشنامه از منابع مرجعی بود که محک می‌زدند. همچنین بازی استاد طهمورث با ۷۵ سال سن در این نقش با سختی‌هایی که دارد، بسیار دیدنی است و از نظر من از معجزه‌های نمایش است. در این نمایش نقش شاگرد پهلوان را دارم چیزی که در واقعیت هم جریان دارد، من در این نمایش فوت بازیگری را از استاد می‌آموزم.

**معرکه در معرکه از زبان مجید رحمتی:**

مفهومی که این نمایش به تصویر کشیده پهلوانی و عیاری و جوانمردی است که از بین رفته است. این نمایش به دنبال زنده کردن عیار زرین و اصیل پهلوانی ایرانی است که می‌تواند با اسطوره سازی در نسل آینده، جامعه را نجات دهد

**آیا تئاتر در حال حاضر برای کسی که در این رشته فعالیت می‌کند می‌تواند منبع درآمدزا باشد؟**

در حال حاضر خیر. این مسئولیت که تئاتر به عنوان شغل برای هنرمند تعریف شود، به عهده ادارات و سازمان‌ها تصمیم گیرنده بوده است که متاسفانه سال‌ها با سهل‌انگاری و بی‌کفایتی از قبول این مسئولیت بزرگ سر باز زده‌اند. در دهه ۶۰ که اداره تئاتر فعال بود، بازیگرانی مانند خسرو شکیبایی، پرویز پرستویی، علی نصیریان کارمند ثابت اداره تئاتر بودند و با توجه به تبه‌بندی حقوق ثابت در یافت می‌کردند. آنها هر روز صبح وارد مجموعه می‌شدند و مشغول تمرین نمایش و... می‌شدند. این شکلی بود که از قبل وجود داشته است و نتیجه خوبی را در تئاتر ایران رقم زده است اما در ادامه به جای اینکه بهتر شود این زیرساخت‌های موثر به کلی از بین رفته و شاهد تصمیماتی هستیم که به ضرر هنر نمایش است. مسائلی چون شکل‌گیری سالن‌های خصوصی، استفاده از بازیگرانی که به آن‌ها چهره می‌گویند؛ من نمی‌دانم چطور است که اگر بازیگری از سینما و تلویزیون به تئاتر می‌آید به او لقب بازیگر چهره را می‌دهند اما در مقابل اگر بازیگر پرکاری از تئاتر به تلویزیون و سینما برود او را چهره نمی‌نامند! معیار و محک این دوستان احتمالا تنها شناخته شدن بازیگر در بین مخاطبان است، اگر این است، آیا این معیار آسیب‌زننده به تئاتر نیست؟ در ادامه اینکه فکر می‌کنم فقط در ایران است که هنرمند برای اجرای کار هنری خود باید از جیب پول بدهد، هزینه اجاره سالن و... این‌ها در دهایی است که در میان جامعه تئاتری ایران پیداد می‌کند و احساس من این است که گوش شنوایی برای آن‌ها نیست.

**سیروس سپهری:**

**تئاتر ادب است ملتی که تئاتر ندارد ادب ندارد**

**نمایش «معرکه در معرکه» از نگاه سیروس سپهری:**

**نمایش معرکه در معرکه از صفات انسانی‌ای**

می‌گویند که پاک فراموش شده است. همان جوانمردی که در ایران کهن در میان مردان ایرانی حرف اول را می‌زد و حالا نیست. مردانگی‌ایی که در آن گذشتن از حق خود و حتی از بین بردن منافع خود برای دیگر ارزش بود. اینجاست که به گفته استاد طهمورث مرز پهلوانی و قهرمانی مشخص می‌شود و اینکه همه کس می‌توانند قهرمان باشند اما هر کسی به درجه پهلوانی نمی‌رسد.

**نقش خاص و سختی را در این نمایش بر عهده داشتید، در مورد اینکه چگونه توانستید به این نقش نزدیک شوید صحبت کنید؟**

مرحوم سیروس گر جستانی قبل از من این نقش را در سال ۱۳۷۲ به اجرا برده است، به همین خاطر من به صورت ناخودآگاه در اجرا با او مقایسه می‌شدم. «لوطی» نقش شیرین و سختی بود و نمایشی از مردمان باری به هر جهت و نون به نرخ روز است. در آوردن نقش به این شکل که دیدید زمان بسیاری برد، دوستان با مشورت قصد کمک به بنده را داشتند اما من از آن‌ها خواستم که بگذارند خودم نقش را در درونم بیافرینم، که خوشبختانه بالاخره این اتفاق افتاد و نقش لوطی از کار درآمد.

**صحبت پایانی:**

تئاتر نیاز به حمایت دارد، در تمامی کشورها این مسئله به خوبی اجرا می‌شود. اما در ایران این مسیر به اشتباه رفته است. حدود ۱۰ سال پیش این تصمیم گرفته شده بود که گروه‌های تئاتری خود را به ثبت برسانند و با حمایت دولت، هر سال بدون هیچ دغدغه‌ای دو نمایش برای اجرا آماده کنند. به این شکل در هر گروه کاملا شغل‌ها تفکیک شده و از همان ابتدا مشخص بود و کارگردان برای هر اجرا از بابت بقیه شاخه‌ها تیم نویسنده‌گی، اجرا و بازیگری، گروه طراح لباس و صحنه خیالش راحت بود و با همین اطمینان قلبی کار خود را شروع می‌کرد و خروجی آن هم می‌شد؛ تئاتر، تئاتر و تئاتر. آنچه که جامعه بیش از هر چیز به آن نیاز دارد، یاد می‌آید که بزرگی می‌گفت: «تئاتر



ادب است ملتی که تئاتر ندارد ادب ندارد. «صحنه تئاتر برای همه مانند مدرسه ایست که اساتیدی چون استاد طهمورث و بزرگان دیگر در حال درس دادن در آن هستند و وظیفه ما این است که همواره بیاموزیم. مادر ایران هر سال حدود ۳۰۰۰ فارغ‌التحصیل بازیگری از موسسات آزاد و دانشگاه‌ها داریم اما سهم این جوانان برای رسیدن به خواسته‌هایشان چیست؟ کسانی که در همان سال‌های ابتدایی فارغ‌التحصیلی احتمالا مدتی را دور تادور تالار وحدت دیده‌می‌شوند طوری که انگار در حال طواف این خانه هستند، بعد از آن احتمالا با چند کارگردان برای بازی در نمایش صحبت‌های بی‌نتیجه‌ای دارند که حاصل آن می‌شود خستگی خود و خانواده‌هایشان و در انتها هر کارگردان این رشته و شغل، این است حاصل این حرفه به طور عموم که جوانان علاقه‌مند را در طولانی مدت دچار سر خوردگی و گاهی انحراف می‌کند. تئاتر برای علاقه‌مندان و هنرمندان امروز دری بسته است. برای من این گشایش در سن ۵۰ سالگی با بازی در سریال «نون‌خ» و در تئاتر با بازی در نمایش «معرکه در معرکه» اتفاق افتاد. هر چند قبل از آن در فیلم‌ها و نمایش‌های زیادی بازی کرده بودم. من در این راه، بسیار پافشاری کردم و به اصطلاح کفش آهنی به پا کردم، اما حالا با این شرایط وحشتناک و سخت‌تر از گذشته، من واقعا دلم برای علاقه‌مندان، فارغ‌التحصیلان این رشته می‌سوزد، یکی از همین‌ها دختر خودم است که در رشته بازیگری درس می‌خواند. من عاشق و مجنون بودم و با وجود شرایط راحت‌تر، هم اکنون اینجا ایستاده‌ام، دیگر نمی‌دانم برای او چه رخ خواهد داد! از نظر من تمامی این مصائب مستقیما به سیاست‌گذاری‌های دولت برمی‌گردد. کسانی که باید یک بار برای همیشه تکلیف خود را با این مسئله روشن کنند که «اصلا تئاتر می‌خواهند یا نه؟» به یاد دارم یک روز یک مدیر کل در ارشاد به صورت واضح به من گفت: «اگر ما تئاتر نخواهیم چه کسی را باید ببینیم!» جدا از این حرف، کارشکنی‌هایی که مسئولین تصمیم‌گیرنده در این حوزه دارند کاملا بیانگر همین نخواستن تئاتر است. و یکی از دلایل سقوط فرهنگ ما همین خط‌زدن هاست. کسی که به تماشای یک تئاتر می‌نشیند، رفتار اجتماعی‌اش اصلاح می‌شود. کشوری که مردمش فرهنگ دیدن تئاتر را ندارند فرهنگ زندگی کردن را نیز ندارند.

**دنیا فتحی:**

**میدان کارزاری که پهلوان می‌کشد و پهلوان می‌زاید**

دنیا فتحی کوچکترین بازیگر نمایش معرکه در معرکه است او متولد کرمانشاه و دانش‌آموخته کارگردانی نمایش است. او از سال هشتاد و دو فعالیت هنری خودم رو آغاز کرده و پیش از این سابقه بازی در چندین سریال و تئاتر صحنه‌ای را دارد.

**تئاتر در زندگی شخصی دنیا فتحی چه جایگاهی دارد؟**

تئاتر در زندگی من جایگاه بالایی دارد و همواره اولویت من برای زندگی کردن بوده است. به همین خاطر است که توانسته‌ام در طول این همه سال با وجود مرارت‌ها، مداوم کار کنم و پا پس نکشم. تئاتر در زندگی من موهبتی بزرگ و مقدس است که قابل قیاس با هیچ چیز دیگر نیست.

**کار کردن با استاد طهمورث چه مزه‌ای داشت؟**

کار کردن با استاد طهمورث جذاب و شیرین و البته پر از سختی بود. بازی کردن در مقابل ایشان از بزرگترین افتخارات هنری بنده محسوب می‌شود. البته نه فقط برای من، هر کسی که مقابل هنر ایشان در بازیگری قرار می‌گیرد این اتفاق را مبارک می‌داند. از نظر من مثال استاد طهمورث در علم، اخلاق و هنر تکرار نخواهد شد

**نمایش معرکه در معرکه از زبان دنیا فتحی؟**

میدان کارزاری بیست که پهلوان می‌زاید و پهلوان می‌کشد. دو قدرت مقابل هم، تقابل خوبی با بدی، تقابلی از خیر و شر، و بازنده‌ای که در واقع برنده است.